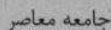


چهره خوب جهان

ماده شعر طنز با موضوع پیشگیری از اعتیاد

به کوشش سید ابی انکی و مهدی فرج‌اللهی
مجری طرح: علی زکریایی



تلف: ۶۶۹۷۲۱۱۱

مجموعه شعر طنز با موضوع پیشگیری از اعتیاد

- ری طرح: محمد علی زکریایی • به کوشش: سعید بیابانکی و مهدی فرج اللہی • مشاور
محتوایی: ربیعہ احسان • ناظران محتوایی: دکتر مهدی حسین زادہ فرمی، مهدی خلیلی و
مجتبیٰ رویتو • نگران: مسندگان: رضا احسان پور، روح اللہ احمدی، عباس احمدی، مهدی
استاد احمد، محسن بیابانکی، امین، راشد انصاری، سعید بیابانکی، ساجدہ جبار پور،
فرامرز ریحان صفت، سید امیر سادات موسوی، مهدی سعیدی، سعید سلیمان پور ارومی، شروین
سلیمانی، سعید طلایی، نسیم عرب سزی، مصطفیٰ علوی، ناصر فیض، صابر قدیمی، مصطفیٰ
مشایخی، سعیدہ موسوی زادہ، جویریہ نوری، مہیا نوری • بہ سفارش: ادارہ کل فرهنگی و
اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری • مدیر ہنری: واحد ہنری جامعہ معاصر
• ویراستار: احد گودرزبانی • طرح جلد: • پیم پور میری • ناشر: جامعہ معاصر • چاپ و
صحافی: باران • نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵ • شمارگان: ۲۰۰ • جلد: • قیمت: ۸۰/۰۰۰ ریال
• شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۷۷-۶۸-۰ • ہمہ حقوق چاپ و ناشران محفوظ است۔

شاپک	۶۸-۶۸۷۷-۲۹۶۴-۹۷۸
شماره کتابشناسی ملی	۴۱۶۵۱۱۸
عنوان و نام پدیدآورنده	چهره خوب جهان: مجموعه شعر طلز با موضوع پیشگیری از اعتیاد/ مجری ط. زکریایی
مشخصات نشر	به کوشش: سعید بیابانکی و مهدی فرج‌اللهی تهران: جامعه معاصر، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	۱۱۲ ص
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه ها
رده‌بندی دیوپی	۸ / ۱۶۲۰۸
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۴ ج ۹، ۸۷۶ ب ۱ / ۴۱۹۰ PIR
سرشناسنامه	بیابانکی، سعید، ۱۳۴۱، گردآورنده
شناسه افزوده	فرج‌اللهی، مهدی، گردآورنده
شناسه افزوده	زکریایی، محمدعلی، ۱۳۴۷
وضعیت فهرست نویسی	فیا

فهرست

۷	یادداشت
۱۱	مقدمه سعید بیابانکی
۱۵	در باب کشش! رضا احسان پور
۱۷	دود می کنند رضا احسان پور
۱۹	شاعر علفی روح الله احمدی / بلبل
۲۱	شده روح الله احمدی / بلبل
۲۳	در هفت دخانیات و اعتیاد ناشی از آن عباس احمدی
۲۷	شبیه به نه شیدم مهدی استاد احمد
۲۹	چپقیه حسن اشتیاقی
۳۱	عقب افتادی ای زار! محسن اشتیاقی
۳۳	شبیه هیچ کی نمی شوم! سماء امینی
۳۷	شبیه هیچ کی نمی شم! ماعیل امینی
۳۹	مناظره کتاب و سیگار اسماعیل امینی
۴۳	ندهدا! راشد انصاری
۴۵	صراط مستقیم سعید بیابانکی
۴۹	به به هوای خف ساجده جبار پور
۵۱	زالوی معتادی فرامرز ریحان صفت
۵۳	قصه ما با دو تا جوک شروع شد فرامرز ریحان صفت
۵۵	خاطرات تلخ سید امیر سادات موسوی
۵۷	سیگاری خاموش کن سید امیر سادات موسوی
۵۹	کام تلخت مال ما مهدی سعیدی
۶۱	نصیحت به غلومی! سعید سلیمان پور ارومی

۶۳	اعتیاد شروین سلیمانی
۶۵	فضانورد شروین سلیمانی
۶۷	از صمیم قلب سعید طلایی
۶۹	در باب دود سعید طلایی
۷۳	در باب نابودی به شیوه شیک و مجلسی سعید طلایی
۷۵	در باب فضیلت انواع تفریحات نسیم عرب امیری
۷۷	در توصیف پسر عباس قلی خان نسیم عرب امیری
۷۹	بیمار است مصطفی علوی
۸۱	مهرورود مصطفی علوی
۸۳	نخستین به سبب اخ ناصر فیض
۸۷	آپارتمان صابر قدیمی
۸۹	درد صابر قدیمی
۹۱	گردنامه صابر قدیمی
۹۳	ترک سیگار مصطفی مشایخی
۹۵	دودآلات مصطفی مشایخی
۹۷	قل قلات مصطفی مشایخی
۹۹	پدر و پسر سعیده موسوی زاده
۱۰۱	بی ژن نامه سعیده موسوی زاده
۱۰۵	شاکستی جواد نوری
۱۰۷	جوانی ناهید نوری
۱۰۹	دودمان ناهید نوری

یادداشت

یکی از بزرگ‌ترین تراژدی‌های فرهنگ و تمدن بشری، بی‌تردید داستان کشته شدن سهراب، پسر بهلول نامدار ایرانی، رستم است؛ داستانی نمادین با سانس‌های هوشمندانه. بی‌گمان سهراب، قربانی ناآگاهانه و کشته‌فشان ارتباطی موثر بود و در این میان می‌توان به سدا را بیان نمادینی از آگاهی و خردمندی نوع بشر، نقل نمود. سالیان متمادی از پس این تراژدی اسطیری، به بیار سهراب‌ها که در این سیر تاریخی آماج بومی سخت قرار گرفتند و صد افسوس که نوشداروهای دید فرهنگ‌م‌ن نتوانست نقد عمر و جوانی را به آنها بازگرداند و بدین ترتیب اگر از منظری، آسیب‌های اجتماعی را محسوس گسترده به جامعه بدانیم، بی‌تردید آگاهی و بصیرت، نوشدارویی است که می‌تواند افراد جامعه را از گزند این معضلات ایمن کند.

هنر به عنوان زبان مشترک جهانی و بیانی اعجاز‌گونه به موثرترین شیوه پیام مطلوب خود را به ابناء بشر انتقال می‌دهد؛ هنر در عصر حاضر نه فقط به عنوان یک ابزار، که به مثابه شیوه زیستن و نگرشی لطیف

به جهان مادی و معنوی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس می‌تواند در خدمت افزایش کیفیت سبک زندگی اقشار مختلف جامعه بویژه جوانان و دانشجویان قرار گیرد.

مجموعه «نوشدارو، این بار قبل از مرگ سهراب» بر آن است تا با دو رویکرد جدی با مقوله اعتیاد مواجه شود؛ نخست آنکه بهره‌گیری از تخصص هنرمندان دغدغه‌مند جهت انتقال پیام‌های مورد نظر به عنوان راه رسد. در مواجهه با معضلات اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است که در این امر به جای به تصویر کشیدن جهان بی‌پایانی مایوس، تیره و از هم گسیخته، تلاش شده است تا با نگاهی لطیف، روشن و شوخ‌طبعانه جهانی روشن‌تر و عالی‌ترسیم گردد. دوم اینکه حرکت جمعی این هنرمندان و مشارکت در خلق این اثر در راستای توجه بیشتر به ذائقه قشر جوان امروز - این بار در مسئله رشگی از اعتیاد و وابستگی‌های ناسالم - می‌تواند گامی بویژه در کاهش آسیب این پدیده شوم اجتماعی باشد؛ ضمن اینکه این گونه نگرش‌ها در ذات برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی و اجتماعی با تاکید بر وجه ایجابی است.

مجموعه حاضر که با عنوان «نوشدارو، این بار قبل از مرگ سهراب» به محضر شما عزیزان ارائه می‌گردد با همکاری صمیمانه این مجموعه و تلاش هنرمندان جوان و فرهیخته‌ای است که با شناخت مقام و جایگاه دانشگاهیان و وقوف به اثرات مخرب اعتیاد فراهم آمده است و از این رهگذر افتخار همکاری با چهره‌های صاحب‌نام عرصه هنر و ادبیات این مرز و

بوم و مورد توجه قشر دانشگاهی نیز حاصل گردید؛
جناب آقایان دکتر اسماعیل امینی، سعید بیابانکی،
رضا ساکی، مهدی فرج‌اللهی و روح‌الله احمدی که در
اینجا لازم می‌دانم از زحمات ایشان قدردانی نمایم.
همچنین بر خود فرض می‌دانم از حمایت‌های مجدانه
جناب آقای دکتر سیدضیاء هاشمی، معاون محترم
فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
د، عرصه توسعه برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی،
مجری محترم طرح جناب آقای محمدعلی زکریایی و
نیز استادان همکارانم آقایان دکتر مهدی حسین‌زاده
ف، مهدی خلیلی و مجتبی روتوند غیاثوند و
سایر عزیزان که زمینه‌ساز شکل‌گیری این حرکت
شدند سپاسگزارم.

امید است ضمن ندا و این جریان و مشارکت هر چه
بیشتر هنرمندان را اندامان شاهد تعالی روز
افزون محیط علمی، فرهنگی، نشاط و عاری از هر
آسیب در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی باشیم.

فضل‌الله ایرجی

مدیر کل فرهنگی و اجتماعی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مقدمه

عصر جدید، عصر طنز

عصر امروز را عصر طنز نامیده‌اند، چرا که روزگار اجتماع تضادها و تناقض‌هاست و همین جمع شدن تضادها و تناقض‌هاست که موقعیتی طنزآمیز می‌آفریند. انسان که بر زبان سخنی می‌راند و در دل عکس آن عمل می‌کند، از نگاه یک شاعر تیزبین به یک کاریکاتور شبیه است. همین انسان با همین شرایط را ضرب می‌دهد. میلیون، به جامعه‌ای می‌رسید سرتاسر تضاد و تناقض و همین از نگاه یک طنزپرداز یعنی وضعیتی طنزآمیز.

واقعاً طنز باید حتماً ما را بخنداند؟ یا ما را به فکر وادارد؟ یا ما را بخنداند ولی خنده‌ای که به لبخند است و به قول شاعر: «خنده تلخ من از دهن غم‌انگیزتر است...»

ما در روزگاری زندگی می‌کنیم که باور عمومی، هر سخن و شعر و کلام خنده‌دار را طنز می‌نامد. ولی طنز واقعی لزوماً خنده‌دار نیست. گاه شاعر با کلمات و با زبان، رفتاری می‌کند که به خلق موقعیتی تناقض‌وار می‌انجامد و اینجاست که طنز اتفاق

می‌افتد و البته گاه ممکن است خنده‌ای هم به دنبال نداشته باشد.

همین وضعیت را می‌توان در کسانی یافت که به دام اعتیاد به مواد مخدر افتاده‌اند. کسانی که به خیال خودشان قصد دارند از این جهان سراسر تضاد و تناقض که خود طنزآمیز است بگریزند و به افیونی پناه ببرند تا دمی و ساعتی خوش باشند، غافل از آنکه این افیون ساخته کسانی است که قصد دارند سعادت خوشی را از همین انسان بگیرند و همین جا است که همان موقعیت طنزآمیز اتفاق می‌افتد که بسا خنده‌دار است و تلخ.

اعتیاد یک ناهنجاری اجتماعی است که بسیاری از جوامع را گرفتار برده است. و عجیب است جوامع ضعیف‌تر و فقیرتر بیشتر گرفتار شده و در میان جوامع ضعیف، افراد ناتوان‌تر و فقیرتر بیشتر گرفتار این دام شده‌اند؛ با اینکه مواد مخدر نسبتاً دراز قیمت است. ظاهراً نفس این ماجرا از بیخ و بن تناقض و تضاد است و همین یعنی طنزی تلخ. رفتار زشت بسا ذاتا خنده‌دار است. عابری را تصور کنید که به جای عبور از خط عابر پیاده در حالی که عابران دیگر ایستاده‌اند و خودروها با راننده‌های کلافه، با سرعت زیاد در حال عبورند قصد دارد از لابه‌لای این همه خودرو و بی‌خیال چراغ قرمز عرض خیابان را طی کند. رفتار قانون‌شکنانه او میان این همه عابر قانونمند خنده‌دار نیست؟ البته این عابر را همه دارند با چشم غیر مسلح می‌بینند، ولی فلان کارمند و فلان مدیر و فلان پزشک که یواشکی و دور از انظار قانون‌شکنی

می‌کند را کدام چشم تیزبین باید ببیند؟ اینجا است که نگاه طنزپرداز به میدان می‌آید. رفتار زشت انسان را به مشاهده عمومی می‌گذارد و به همه می‌گوید این آقا را ببینید... نگاهش کنید... واقعا خنده‌دار است. درست مثل رفتار همان عابر مادر مرده که ذکر خیرش شد.

طنزهای این کتاب همه از همین جنس است. به اعتیاد می‌خندند. همان‌گونه که اگر همه عابران به آن عابر مفلوک بخندند، قطعاً او خودش را اصلاح می‌کند. طنزپردازان این کتاب همگی از بهترین‌های آن حوزه‌اند و به قول معروف این کاره‌اند. هیچ کدام مصدوم «بیمار» بوده منع رطب چون کند» نیستند. یعنی من این را می‌دانم که همگی پاک‌اند، پاک پاک. یعنی ممکن است کسی اعتیاد باشد و در مذمت اعتیاد شعر بگوید؟ آری این باشد که خود طنز می‌سازد. درست مثل حمید های مبارزه با اعتیاد که سخنران‌ها در زمان استراحت همایش می‌روند در فضای باز دودی بگیرند و خستگی از تن بیابند! شاعران این کتاب تلاش کرده‌اند با زبانی شیرین و نرم به اعتیاد بخندند. یا بهتر بگوییم نهی را مکرر کنند و امر به معروف. امیدوارم با چاپ این کتاب و با خوانده شدنش توسط معتادان محترم، اعتیاد ریشه‌کن شود که اگر این‌گونه شود آن وقت است که همه با هم می‌خندیم. البته نه از آن خنده‌هایی که به آن عابر مادر مرده نثار کردیم. خنده‌ای واقعا شیرین و از ته دل. به امید آن روز...

سعید بیابانکی